



بستنه + باز ✓

دُشمن + دوست ✓

نورما + سرما ✓

دریا آرام ← دریا آرام

دائرم + قارم ✓

مدرسه پروانه ← مدرسه پیرانه

نبود + بود ✓

کبوتر ترکس ← کبوترس

زن + مرد ✓

کسیه آبروی سایه آبرو ✓

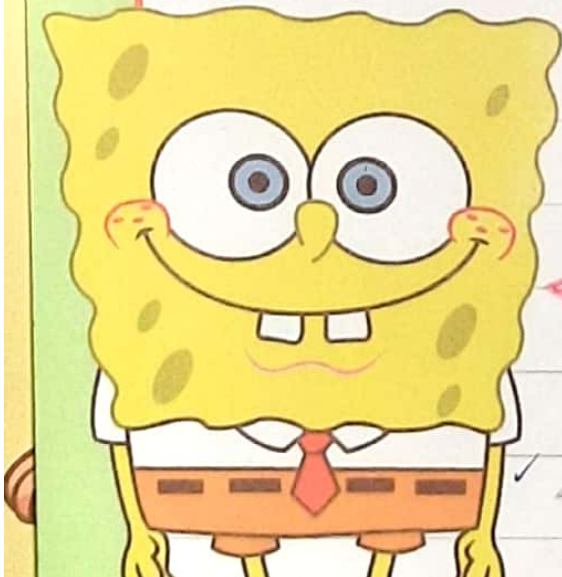
آرام ✓

سینه نوری ←

گردگب + دور ✓

سینه نوری ✓

نادان + دانا ✓



سوزن

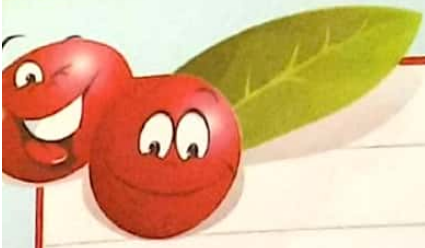
نقشب + روز ✓

سوزن تیز ←

زود + دیر ✓

سوزن تیز ✓

زشت + زیبا ✓



- ✓ پیرده تمیز ← پیردهی تهر ✓
- ✓ انگور زرد ← انگور زرد ✓

عالی
بسم ۱۰، ۱۷



آموزگارِ روستا در تاپستان که مدرسه بسنه است به کشاورزان گفت می کند

مادر بزرگ نرگس در نزدیکی گریان زندگی می کند .

یک گربه روی سنگ بزرگی پرید .

گوش پدر بزرگ شنیدن است او رنگ در را نمی شنود .

من در گردش هستم مادر من را می گیرم .

مَنْ سَعَرَ لِرْمٍ لَوْشٍ دَادِنِ مِ شُومِ .

انگشترِ مادرمِ بِلینِ دارد . پیرمِ روزِ کارِ بَرِ به او داده است .

بایدِ پَرُورِ دِنارِ را شُورِ بِلوپیِمِ .

پَرِنِ بِلانِ از دورِ گوزنِ رامی دیدنِ .